



واکاوی مفهوم "لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ" در قرآن کریم

زهرا صرفی^۱، معصومه الماسی^۲

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا / sarfi@alzahra.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء / m.almasi7579@gmail.com

چکیده

پیامبر اعظم (ص) طی ۲۳ سال بعثت نورانی خود از همه ظرفیت‌ها برای دعوت به دینداری و نفی شرک استفاده نمود. خداوند متعال در آیات ششم سوره کهف و سوم سوره شعرا پیامبرش را با عبارت "لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ" مورد خطاب قرار داده است. تحلیل مفهومی این عبارت و تبیین زوایای آن در شناخت بهتر سیره اخلاقی و تبلیغی پیامبرگرامی اسلام (ص) اثرگذار است. این عبارت گواهی دیگر از اوج کمالات انسانی در وجود پیامبر گرامی اسلام (ص) و شاهی استوار بر رحمت بودن او برای جهانیان است. و از آنجا که آن حضرت به فرموده خداوند متعال الگوی نیکو برای همه انسان‌هاست ضرورت دارد تا سیره آن حضرت در همه امور و به ویژه در امر تبلیغ دین الگو قرار گیرد تا انتقال مفاهیم دینی و قرآنی با اثرگذاری بیشتر و بهتر همراه گردد.

واژه های کلیدی: پیامبر (ص)، "لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ"، سیره، تبلیغ.

مقدمه

دانسته است و افزون بر آن به تسلیت و دلجویی از حضرت نیز اشاره دارد [۱]. زیرا منطق و سخن گوینده هر قدر مستدل و گیرا و جذاب باشد تا در شنونده آمادگی وجود نداشته باشد، اثر نخواهد کرد، به تعبیر دیگر قابلیت قابل نیز در پذیرش سخن شرط است و هر سخنی اهلی دارد، بنابراین اگر کوردلان لجوج تسلیم دعوت پیامبر نشوند عجیب نیست، مهم آن است که پیامبر در بلاغ مبین کوتاهی نکند و دعوت را آشکارا برای همگان بیان نماید [۲].

به رغم آنکه به پیامبر اعلام می‌شود که (فان تولوا فانما علیک البلاغ المبین)، اوج تعهد و وظیفه‌شناسی و شدت دلسوزی پیامبر در هدایت مردم تا آنجا است که خداوند از بیم جانسان به ایشان می‌فرماید: (فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا : پس شاید تو می‌خواهی به دنبال اعراض آنها اگر به این کتاب ایمان نیاورند از شدت اندوه هلاک‌کننده خود باشی!) (الکهف: ۶) و نیز می‌فرماید: (لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ: گویی می‌خواهی به خاطر آن که مشرکان ایمان نمی‌آورند، خود را به کشتن بدهی.) (الشعراء: ۳). این پژوهش بر آن است تا این سیره اخلاقی پیامبراکرم (ص) را بیشتر مورد بررسی قرار دهد، زیرا توجه به سبک زندگی و سیره اخلاق معصومان امروزه اهمیتی دو چندان یافته است و انسان‌ها برای اصلاح زندگی در فضای آلوده این عصر نیازمند

با تدبیر در آیات قرآن و زندگی اقوام گذشته روشن می‌شود، پیامبران الهی از هیچ کوششی برای هدایت امت خود فرو گذاری نکردند و در راه اثبات حقانیت خود و همراه نمودن مردم در مسیر یکتاپرستی به ارائه دلیل و معجزه هم پرداخته‌اند. تا آنجا که گروهی با آنها همراه شدند و گروهی در تقابل با ایشان قرار گرفتند. اما همواره سخن همه انبیا در قبال این تعهد و هدایت این بود که (وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ : و من بر این رسالت هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم، مزد من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست) (الشعراء: ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰). از آنجا که بارها در قرآن پاداش نخواستن و بی‌توقعی انبیا علیهم السلام از مردم مطرح شده است، معلوم می‌شود که امور مادی یکی از بزرگ‌ترین موانع گرایش مردم به حق محسوب می‌شود. از این رو شیوه همه انبیا آن بوده است که در بدو دعوت برای رفع تهمت و تأثیر موعظه و نصیحت، تاکید می‌کردند که در دعوت خود توقع اجر و مزد از مردم را ندارند و تنها رضای خداوند متعال را می‌خواهند.

آیه (فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ: پس اگر از دعوت رویگردان شوند باکی نیست همانا بر عهده تو رساندن آشکار پیام است و بس) (النحل: ۸۲)، تکلیف پیامبر (ص) را اتمام حجت